

داخلی. پذیرایی. روز

علی با توبیش دو ، سه تا روپایی می‌زند و سپس آن را به سمت دیوار شوت می‌کند. توپ به دیوار، میز و ساعت (ترجیحاً عقربه روی دوازده باشد) بر خورد می‌کند و در آخر به تابلو عکس دست جمعی خانواده در جمکران برخورد می‌کند. تابلو بعد از چند تکان ریز، روی زمین می‌افتد و تکه‌تکه می‌شود. زهرا به سرعت از اتاق وارد پذیرایی شده و با حیرت به تابلوی تکه‌تکه شده خیره می‌شود. علی سر به زیر جلو می‌آید، سرش را کمی می‌خاراند و اظهار پشیمانی می‌کند و زهرا با لبخندی مهربانانه از برادر خود دل‌جویی می‌کند.

علی و زهرا مشغول جمع کردن تکه‌های این تابلو می‌شوند. علی

تکه‌هایی که در آن عکس زهرا بود را به‌سختی از زیر میز بیرون می‌کشد ؛ زهرا تکه‌ی پدر را از روی گلدان برمی‌دارد علی متوجه درخشش شینی در کنار پنجره می‌شود جلوتر می‌رود و با تکه‌ای که عکس مادر ، در آن بود مواجه شده و آن را برمی‌دارد. زهرا تکه‌هایی که بخشی از عکس علی هستند را از روی زمین جمع می‌کند ، و ناگهان توجهش به پشت سر جلب می‌شود.

تکه‌ای از تابلو، پای محسن را زخمی کرده است. محسن روی زمین نشست و مثل ابر بهار اشک می‌ریزد. زهرا سریعاً محسن را بغل می‌کند و به پای او چسب زخم می‌زند ولی گریه‌های محسن قطع نمی‌شود و همین‌جور ادامه دارد . علی، دفتر نقاشی و یک سبد پر از مداد رنگی می‌آورد و جلوی محسن می‌ریزد گریه محسن با دیدن مداد رنگی‌ها بند می‌آید و به نقاشی کردن مشغول می‌شود. زهرا به تکه‌ای که پای محسن را زخمی کرده بود نگاه می‌کند این تکه عکس خود محسن بود که از بقیه تابلو جدا شده.

زهرا و علی تکه‌های تابلو را با چسب به هم می‌چسبانند تا مثل قبل شود ولی تکه‌ای که در آن گنبد و گلدسته مسجد است را پیدا نمی‌کنند. آن دو زیر بالش‌ها، روی طاقچه، اطراف گلدون و قسمت‌های دیگ‌خانه را می‌گردند ولی اثری از آن تکه‌ها نیست.

در این مدت، نقاشی محسن تمام می‌شود و آن را به زهرا و علی نشان می‌دهد ؛ نقاشی محسن گنبد و گلدسته‌های جمکران است که رنگ نشده . علی، نگاه گذرابی به نقاشی انداخته و می‌رود ولی زهرا از دیدن نقاشی ذوق کرده و علی را صدا می‌زند که برگردد.

علی، زهرا و محسن هر سه مشغول رنگ کردن نقاشی محسن می‌شوند . سپس آن را به تابلو وصل کرده و آن را به دیوار می‌زنند. پدر و مادر از بیرون سر می‌رسند و بچه‌ها را در آغوش می‌گیرند و هر پنج نفر به تابلو نگاه می‌کند . تصویر، روی تابلو زوم می‌شود عکس بچه‌ها در آن شروع به خندیدن و دویدن می‌کند که بعد از چند ثانیه می‌ایستند ، دست بر سینه گذاشته و سلام می‌دهند